

## ژئوپولیتیک و جغرافیای سیاسی

چون در اغلب موارد دیده شده که دو اصطلاح ژئوپولیتیک و جغرافیای سیاسی بطور مترادف بکار برده شده و از آن يك معنی و مفهوم استنباط میگردد بنظر لازم آمد که بتفسیر کامل این دو اصطلاح پرداخته اختلاف بین آنها را روشن نمائیم .

ژئوپولیتیک که ترجمه فارسی آن سیاست جغرافیائی است همانطور که از معنی لغوی کلمه استنباط میگردد تعیین سیاست يك کشور را بر اساس عوامل جغرافیائی بخصوص جغرافیای طبیعی آن کشور هدف مطالعات خود قرار میدهد . در مطالعات ژئوپولیتیکی جغرافیدان اغلب با برقراری رابطه علت و معلولی بین بعضی عوامل جغرافیائی طبیعی (بخصوص موقع - وسعت و آب و هوا) و سیاست يك کشور سعی میکند به تفسیر وقایع تاریخی پرداخته و ضمن پیش بینی وقایع آینده خط مشی سیاسی کشور را تعیین نماید و بدین ترتیب عوامل جغرافیائی را حاکم بر مقدرات و تعیین کننده سرنوشت سیاسی ملتها میدانند .

در جغرافیای سیاسی برعکس هدف مطالعه و روش مطالعه کاملاً جغرافیائی است و منظور بررسی جغرافیائی يك واحد متشکل سیاسی است و در آن ارتباط بین تمام پدیده های جغرافیائی اعم از طبیعی - انسانی - اقتصادی و سیاسی مورد بحث و بررسی واقع میشود . بنابراین اختلاف مهم و اصلی بین ژئوپولیتیک و جغرافیای سیاسی در هدف و روش مطالعه است در ژئوپولیتیک هدف جغرافیدان مطالعه پدیده های سیاسی است منتهی از این پدیده ها تفسیر جغرافیائی نموده سعی میکند بمطالعه جنبه های جغرافیائی آنها

پیردازد تا سیاست کشور تحقق علمی بخشد درحالیکه درجغرافیای سیاسی هدف مطالعه پدیده‌های جغرافیائی است با توجه خاص بجنبه‌های سیاسی این پدیده‌ها در یک واحد متشکل سیاسی خواه کشور خواه کوچکتر از کشور و یا بزرگتر از آن ، منظور از واحد سیاسی کوچکتر از کشور تقسیمات داخلی کشور و منظور از واحدهای سیاسی بزرگتر از یک کشور سازمانهای بین‌المللی اقتصادی و نظامی و فرهنگی است. چون تعیین مرزهای این واحدها حداقل بر روی نقشه میسر است بنابراین همگی جزو مطالعات جغرافیای سیاسی قرار میگیرند .

برای مثال عامل وسعت از نظر یک نفر ژئوپولیتیشن **Geopolitician** بعنوان یک عامل مهم قدرت سیاسی یک کشور تلقی شده و بر اساس آن شالوده سیاست یک کشور در جهت توسعه ارضی آن ریخته میشود در صورتیکه گرچه همین عامل نیز از نظر جغرافیدان سیاسی قابل مطالعه است ولی نه بعنوان تعیین کننده قدرت سیاسی کشور بلکه وسعت هر کشور با توجه بسایر عوامل و پدیده‌های طبیعی و انسانی آن کشور مورد بررسی واقع شده و اهمیت سیاسی آن مطالعه میگردد و بدین ترتیب ممکنست وسعت زیاد یک کشور بدلیل هم‌آهنگ نبودن آن با سایر عوامل طبیعی و انسانی ایجاد مزاحمت و دردسر سیاسی نموده و از نظر دفاعی مشکلاتی فراهم نماید و در این صورت جغرافیدان سیاسی پیشنهاداتی خواهد نمود تا برای ایجاد هم‌آهنگی بین وسعت آن کشور و سایر مشخصات طبیعی و انسانی آن اقدامات لازم انجام شود .

گرچه اختلاف اصلی و مهم بین ژئوپولیتیک و جغرافیای سیاسی همانطور که در بالا ذکر شد در هدف مطالعات این دو علم است ولی مفهوم این دو اصطلاح در طی تاریخ گاهی بسیار نزدیک و گاهی برعکس بسیار دور از یکدیگر قرار داشته است. در حقیقت جغرافیای سیاسی یک صورت تحول یافته و کامل شده علم ژئوپولیتیک است و نزدیکی و دوری بین آنها بیشتر محصول طرز فکر جغرافیدانانی بوده است که به این گونه مطالعات دست زده‌اند .

مثلا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ژئوپولیتیک آلمان صورت خاص

واستثنائی بخود گرفت که از جغرافیای سیاسی بکلی دور افتاد. افکار و نظریات ژئوپولیتیک این دوران عامل مهمی در پیشرفت و مشوق سیاست متجاسرانه و توسعه طلبانه دولت نازی آلمان بود و صدماتی که در اثر دو جنگ جهانی از طرف آلمان‌ها نصیب مردم دنیا گردید کلمه ژئوپولیتیک را منفور خاص و عام نموده بتوسعه و پیشرفت جغرافیای سیاسی بآن صورت که امروز مورد مطالعه ما است کمک فراوان نمود.

در برابر نتایج ناگواری که از نظریات ژئوپولیتیک قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برای جهانیان حاصل شد امروزه جغرافیای سیاسی در حل مسائل ملی و بین‌المللی نقش مهم و اساسی بعهده دارد. جغرافیدانان از بعد از جنگ هم خود را مصروف مطالعه پدیده‌های جغرافیای سیاسی نموده و در تعیین خطوط مرزی بین‌الملل و تعیین بهترین تقسیمات داخلی کشوری - تعیین محل پایتخت - رفع اختلافات مرزی و بسیاری از مسائل سیاسی جهانی کمک‌های شایان توجهی نموده‌اند. بهمین دلیل است که امروزه دیگر مطالعات ژئوپولیتیک کمتر مورد توجه جغرافیدانان است و برعکس بیشتر مورد استفاده محققین غیر جغرافیدان بخصوص عالمان سیاسی که از کلمه جغرافیا مفهوم جغرافیای طبیعی دارند قرار می‌گیرد.

گرچه مطالعات ژئوپولیتیک از زمانهای بسیار قدیم یعنی از زمان یونان توسط هرودوت - ارسطو - بقراط - استرابو و غیره انجام می‌گرفته است ولی ژئوپولیتیک جدید در حقیقت از آلمان برخاسته و بانی و مؤسس آنرا باید جغرافیدان معروف آلمان فردرک راتزل دانست. فردرک راتزل که در نیمه دوم قرن نوزدهم می‌زیست (۱۸۲۴-۱۹۰۴) با مطالعاتی که در باره اساس جغرافیائی قدرت سیاسی نمود پایه گذار ژئوپولیتیک مخصوص آلمان نیز بشمار میرود! اولین کار راتزل در ژئوپولیتیک توسعه نظریه‌ای است که در آن کشورها را به موجودات زنده تشبیه می‌نمود. وی معتقد بود که کشور هم مثل هر موجود زنده متولد شده - رشد می‌کند و به دوران بلوغ و پیری میرسد و بالاخره می‌میرد. وی تمام قوانین داروین را که برای موجودات زنده و نباتات وضع شده بود از قبیل تنازع بقاء و انتخاب طبیعی در مورد کشورها صادق میدانست و توسعه ارضی را از

هدفهای مهم سیاسی هر مملکت میدانست و معتقد بود که اگر کشوری توسعه پیدا نکند و قوی نشود خواه و ناخواه توسط کشور وسیع تر که قوی تر نیز هست از بین خواهد رفت و بدین ترتیب وسعت را عامل مهم قدرت سیاسی یک کشور میدانست. بعد از عامل وسعت بعقیده راتزل عامل موقع جغرافیائی یک کشور نسبت به کشورهای دیگر بسیار مهم است و در سر نوشت سیاسی آن کشور تأثیر مهمی دارد. این افکار راتزل البته از شرایط و اوضاع سیاسی زمان ناشی شده بود و قبل از وی از زمان کانت و هگل آرزوی تشکیل امپراطوری آلمان سیاست توسعه ارضی را جزء اصول مهم سیاسی آلمان قرارداد داده بود. این سیاست در نتیجه دو واقعه مهم نظامی یکی شکست آلمان در جنگهای سی ساله و دیگری پیروزی ناپلئون و اثری که این دو جنگ در افکار ملت آلمان گذاشته بود حاصل شده بود. از بعد از دوران طولانی بندگی سیاسی آلمان ها که در دنبال معاهده وستفاليا در سال ۱۶۴۸ اتفاق افتاد کانت از کشور پروس مردم را دعوت میکرد که بجمع آوری انرژی خود پرداخته و تشکیل امپراطوری آلمان همت گمارند. طرفداران هگل نیز معتقد بودند که سر نوشت آلمان این است که نقش رهبری اروپا را بعهده گرفته و جانشین امپراطوری سابق روم گردد. بنا بر این قبل از راتزل سیاست توسعه طلبی و آرزوی تشکیل امپراطوری در فکر اشخاص دانشمند و سیاستمدار آلمان وجود داشت و کار راتزل در حقیقت این بود که باین آرمان سیاسی بر اساس عوامل جغرافیائی جنبه علمی بخشد. بنابراین با توجه به این سیاست و آرزو از عوامل جغرافیای طبیعی مثل وسعت و موقع کمک گرفته و نظریه زنده بودن کشورها را پیشنهاد نمود.

نظریات ژئوپولیتیکی راتزل بعد ها مورد استفاده و توجه جغرافیدانان و

سیاستمداران دیگر مثل کیلن Rudolf Keyellen سوئدی<sup>۱</sup> - مکیندر

Halford Mackinder انگلیسی<sup>۲</sup> - ماهان Alfred Mahan امریکائی<sup>۳</sup>

هاوز هوفر Haushofer آلمانی<sup>۴</sup> و سمپل E.C. Semple امریکائی قرار گرفت

و بر اساس آن نظریات ژئوپولیتیکی جدیدی بوجود آمد.

وقایع تاریخی نشان میدهد که نظریه های راتزل و جانشینان وی بر پایه منطقی

و صحیح استوار نبوده است و امروزه مسلم شده است که بزرگ و کوچک شدن يك کشور مربوط به قدرت و باضعف نظامی و سیاسی آن کشور است و بستگی دارد به سیاست خاصی که زمامداران آن کشور در پیش میگیرند و گر نه هیچ چیز در طبیعت يك کشور موجود نیست که باعث رشد و یا سقوط خود بخود يك کشور گردد. کشور پدیده ایست پیچیده و نمیتوان مسیر آینده آنرا بر اساس وقایع تاریخی تعیین نمود و بنا بر این هیچ گونه قیاسی بین يك کشور و يك موجود زنده منطقی و صحیح نیست و بهتر این است که کشور را يك واحد مستقر دانست و نظریه همانند موجود زنده بودن کشور را طرد نمود. نقشه سیاسی دنیا در طی پانصد سال اخیر نشان میدهد که بسیاری از کشورهای کوچک سالها بدون اینکه در مرزهای خود تغییری بدهند بصورت يك واحد مستقل و مستقر وجود داشتند و هنوز هم از قدرتهای بزرگ سیاسی دنیا محسوب میشوند. در اروپا مثلاً مرزهای کشور سوئیس بیش از چهارصد سال است که ثابت باقی مانده است و خود کشور سوئیس از قرن شانزدهم تا کنون بصورت يك کشور کوچک ولی مستقل و مستقر از نظر سیاسی بر روی نقشه دیده شده است.

در سالهای اول قرن بیستم ضمن مطالعات ژئوپولتیکی که در باره اساس جغرافیائی قدرت و راههای کسب قدرت جهانی بعمل میآمد يك روش جدید بین جغرافیدانان سیاسی در حال توسعه و تشکیل بود و آن بررسی دقیقی از مسائل بخصوص جغرافیای سیاسی بود. تا سال ۱۹۲۰ با استفاده از این روش مرزهای بین المللی توسط جغرافیدانان مورد بررسی واقع شد و چندین کتاب در این زمینه بچاپ رسید. مطالعات جغرافیدانان بر روی مرزهای بین الملل باعث شد که از وجود آنها در کنفرانسهای صلح که بعد از جنگ جهانی اول بمنظور تعیین مرزهای جدید کشورهای اروپائی تشکیل میشد استفاده شود. بین اشخاصی که در کنفرانس صلح شرکت کرده و پیشنهادات قابل توجهی نمودند دکتر بومن Bowman جغرافیدان معروف امریکائی بود که در آن زمان در راس انجمن جغرافیائی امریکا AGS قرار داشت. بدین ترتیب عملاً ثابت شد که معلومات و تجربیات

جغرافیدانان سیاسی در امور سیاسی بین الملل قابل استفاده و مورد احتیاج است . دکتر بومن در سال ۱۹۲۱ کتاب معروف خود را بنام دنیای جدید<sup>۵</sup> *The New World* منتشر کرد و در این کتاب به بحث و بررسی مسائل جغرافیای سیاسی دنیای آن روز پرداخت گرچه امروزه بسیاری از مسائل مورد بحث در این کتاب اهمیت سیاسی خود را از دست داده اند ولی این کتاب هنوز بعنوان یکی از کارهای تحقیقاتی مهم در رشته جغرافیای سیاسی محسوب میشود . از بعد از دکتر بومن جغرافیدانان دیگری مانند :

ویتلسی ۶ *Whittlesey* بوگز ۷ *Boggs* پیرسی ۸ *Pearcy* وایکرت ۹ *Weigert* پاندز ۱۰ *Pounds* و هارتشورن ۱۱ *Hartshorne* در جغرافیای سیاسی مطالعاتی نموده و بدرج مقالات و کتابهای باارزشی پرداخته اند .

مطالعات جغرافیای سیاسی مثل تمام مطالعات جغرافیائی توسط دو روش عمومی (*Tropical*) و ناحیه‌ای (*Regional*) انجام میگردد . روش عمومی بیشتر بمطالعه درباره تاریخ و مفاهیم مختلف جغرافیای سیاسی میپردازد و یابدیده‌های جغرافیای سیاسی را طی يك مطالعه تطبیقی در تمام دنیا مورد بررسی قرار میدهد در حالی که در روش ناحیه‌ای مسائل سیاسی محلی مورد بحث واقع میشوند و یا اینکه يك پدیده جغرافیای سیاسی در يك واحد جغرافیائی معین مورد بررسی قرار میگردد .

1- Ratzel, Friedrich, *Politische Geographie*, 3rd ed. Munich: R. oldenbourg, 1923, 6268 p.

2-- Mackinder, Sir Halford J-*Democratic Ideals and Reality*. New york: Norton, 1962. 278 pp.

3- Mahan Alfred T. *The Influence of Sea Power on History, 1660-1783*. Boston: Little, Brown, 1897

نظریات مکیندر و ماهان در کتابی تحت عنوان «کتابهایی که دنیا را تغییر دادند» بفارسی ترجمه شده است این کتاب زیر نظر سیروس پرهام ترجمه شده و مؤلف آن را برت دونز است .

4- Haushofer, Karl. Grenzen in ihrer Geographischen und Politischen Bedeutung. Berlin-Grunewald: Vowinckel, 1927, 320 pp.

5- Bowman, Isaiah. The New World: Problems in Political Geography. 4th ed. New York: World Book Co. 1928-803 pp.

6- Whittlesey, Derwent S. The Earth and the State; A Study of Political Geography. New York: Holt, 1939-618 pp.

7- Boggs, S.W. International Boundaries; a Study of Boundary Functions and Problems. New York: Columbia University Press, 1940-272 pp.

8- Percy, G.E. World Political Geography, 2nd ed. New York: Crowell, 1957-734 pp.

9- Weigert, Hans W. ed. Principles of Political Geography. New York: Appleton-Century-Crofts, 1957-723 pp.

10- Pounds, N. J.G. Political Geography. New York: McGraw Hill, 1963-422 pp.

11- Hartshorne, R. (The Functional Approach in Political Geography; AAG, Vol. XL, No. 2, 1950, pp. 92-130.

( Political Geography in the Modern World, )  
Journal of Conflict Resolution, Vol 4, pp. 52-66, 1960.